میقاتیت هلال برای کل کره

شاگرد: این پیشفرض که ما حتماً بدء الحساب واحد میخواهیم نیاز به اثبات دارد.

استاد: تنها چیزی که من میتوانم عرض کنم، میقات است. یک وقتی میقات در یک روستا است، در یک شهر است، در ایران است، در یک قاچ جغرافیایی است، اما یک وقتی هم برای کل کره است. مسلمانان میخواهند یک میقات برای خودشان داشته باشند. با یک نظمی نماز عید بخوانند که یلیق بالشرع الاسلامی. خب این را چطور ساماندهی کنند؟ یعنی ادله شرعیه متکفل آن نیست؟ ای هست؟ مشهور میگویند «صم للرؤیة» متکفل چیزی است که متشرعه در انجام وظیفه خودشان به مشکل برخورد نکنند. موالی با همه اینها سهل گرفته است. اما آیا در ادله اثباتیه شرعیه آن راهی که عالی است و میتواند نظام دهد، نیست؟! یعنی این چند راهی که میتواند به کره نظم بدهد، نیست؟!

اگر ما فوری تعارض درست کنیم و آن را طرح کنیم و «صم للرؤیة» را بگیریم، خب راحت میشویم. البته وقتی نتوانیم جمع کنیم مشکلی هم نیست. اما وقتی در اینجا ثبوتا چند گزینه بود، این روایات با هم معارض نیستند. این دارد این فضا را میگوید و دیگری دارد فضای دیگری را میگوید. روایاتی هست که میخواهد کل کره زمین را برای شما منظم کند. بهنحویکه نظم «یوم خلق السماوات و الارض» را فی علم الله با آن ادله اثباتیه بگوید که چگونه است. در یک لحظه خاص، ماه مبارک شروع میشود. اگر شما ندیدید درست، اما ماه مبارک بهعنوان یک قطعه زمانی شروع شده اما بهعنوان تطبیق آن بر شب و روز شمای مکلف و اینکه امشب شب ماه من هست ای نیست؟ روز اول ماه من هست ای نیست؟ تطبیق آن، حساب میشود. همانطور که حاج آقا میگویند شما بگویید وقتی ما خودمان ندیدیم بدء الحساب است، قبل از آن هم نیست. لازمه حرفشان این است و قبول هم میکنند. الآن هم نوعاً تاکاز ما همین است.

من یک سؤال ساده عرض کنم. شما فرض قطعی گرفتید که روز سیام ماه که روزه هستید ساعت دو بعد از ظهر هلال را دیدید؛ شرائطی شده بود که هلال خیلی روشن بود، ولی سی روز بود. وقتی هلال را دیدید، از ساعت دو بعد از ظهر تا غروب، ماه مبارک است؟ ای ماه شوال است؟ ماه مبارک است. ببینید مشکلی نیست. میگویند دیدیم اما ماه مبارک است. یعنی من باید روزه بگیرم بهعنوان روز ماه مبارک. چرا؟ چون بر آن قراری که گذاشتیم متفرع است که رؤیت، میزان است و شروع محاسبه با رؤیت هم یکی است، رؤیت دخول شهر را نمیآورد، دخول شهر از چه زمانی است؟ از وقت غروب است. غروب تا غروب است. غروب که نشده، چطور ماه مبارک باشد؟

خب عرض من در اینجا این است که این یکی از تطبیقات برای سهولت در امر است. اما همینجا یک گزینه دیگری هم داریم که بگوییم بدء الحساب از غروب تا غروب است. اما کدام غروب؟ غروب کدام افق؟ آنها میگویند مشترک در شب باشند. یکی دیگر که آقای زمانی در مقاله میفرمایند این است: غروب آن جایی که وقت زوال روزش، قبل از زوال هلال رؤیت شود. اگر بعد از زوال شده برای فردا میشود. اگر قبل از زوال بوده، شب قبل از آن هم باز برای شوال است. اما برای خود بلد است. یعنی قبل از زوال نصف النهار خود بلد ای بعد از آن رؤیت شد. این هم یک احتمال بود. نصف النهار دحو الارض هم یکی دیگر بود. اینها گزینههای ثبوتیای بود که از آن بحث کردیم. اینجا میتواند کار انجام دهد. در اینکه دید ما نسبت به جمع ادله و فقه الحدیث این روایات، در یک وجه لیس الا، متمحض و مضیق نباشد. این اساس عرض من است. اگر جلو رفتیم و دیدیم مشکلات دارد، خب

مباحثه بوده. اگر هم سر رسید، فایده‌اش این است: ادله‌ای که علماء متعارض دیدند و سراغ سند آن می‌روند، دیگر محتاج به آن نیستیم. مثل نماز جمعه که جلوترها هم عرض می‌کردم: حاج آقا می‌فرمودند جناب سید بحرالعلوم خیلی ذهن صافی دارند. سید ذهن خیلی صافی در درک دارند. به دستاندازها نمی‌افتند و صاف می‌روند. فرمودند با این ذهن صاف سید، وقتی در دُرّة به نماز جمعه رسیدند فرمودند: «و حكمها في غيبة الإمام أبهم معتاص على الأفهام[1]». این ذهن صاف می‌گویی «ابهم معتاص»!

> 40:58

خب شهید اول، شهید ثانی، فقهای قبل از ایشان، بعد از ایشان مرحوم آقای بروجردی و معاصرین ایشان بحث کرده‌اند. نمی‌دانم تاریخ آن را می‌دانید یا نه، چه هنگامه‌ای است! یکی از جاهایی که مرحوم صاحب جواهر تا آخر می‌روند و با شهید ثانی چه می‌کنند و... نماز جمعه است. بعد از بحث‌ها الآن شما نوع فتاوی را چه می‌دانید؟ قائل به تخییر هستند. یعنی گاهی است آدم می‌بیند که بحث‌ها به‌صورت تک نگاه بوده؛ یعنی بگو ببینم یا این است یا این است. اما بعد از این‌که مجموع ادله دیده می‌شود می‌گویی‌م وقتی حرف‌های همه را دیدیم، خروجی آن تخییر می‌شود.

وقتی روایات اثبات رؤیت هلال یک چیزهایی را می‌گوید که ثبوتا ممکن است و هر کدام هم جایی دارد، یعنی هر کدام برای خودش حوزه‌ای دارد که نافع است و یک اشکالاتی هم دارد؛ شما در آخر کار می‌گویی‌د که معارض است و آن را طرح می‌کنی‌م و به این عمل می‌کنی‌م؟! مشکلی نیست. اما وقتی ثبوت آن سر برسد و در اثبات هم با هم قابل جمع باشند، اگر آن را حمل بر تخییر کنید چیزی نیست که تمام‌ًا خلاف باشد و قول ثالث شود. قول ثالث نیست، ان شاءالله بعدًا آن را عرض می‌کنم.

---

[1] الدرة النجفية (لبحر العلوم)، ص: ۱۶۸

بازبینی #1
ایجاد شده 5 ژوئیه 2026 19:58:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 19:59:20 توسط ... .